

سازوکارهای تأمین منابع مالی بخش آموزش (آموزش و پرورش و آموزش عالی)

Mechanisms for financing education (education & higher education)

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۵/۲۳

Mohammad Khanazizi
Aliakbar Aminbeidokhti

Abstract: The purpose of this study was to evaluate and compare existing and optimal state mechanisms for financing education and higher education. The research method was descriptive survey and the participants in this study included 52 experts of Plan & Budget Organization and the Ministry of Education and Ministry of Science, Research and Technology that were selected by simple random sampling. The main tool to collect data, was a researcher-made questionnaire whose content validity and reliability ($\alpha > 0.8$) were confirmed. For analyzing the data of research descriptive and inferential statistical methods were used (T-test, paired T-test and Friedman test). Comparison of financing mechanisms in education revealed public education financing in both the current and the optimal state is of the greatest importance. The results about higher education indicated that in the current state, mechanism of public education financing is of the greatest importance, and in the optimal state, the mechanism of contract with manufacturing institutions and service industries is of the most importance.

Keywords: financial resources, mechanisms, Higher Education, Education

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۲۹

محمد خان عزیزی*
علی اکبر امین بیدختی**

چکیده: هدف این پژوهش بررسی و مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و آموزش عالی است. روش پژوهش، توصیفی پیمایشی و مشارکت کنندگان در پژوهش شامل ۵۲ نفر از کارشناسان بودجه شاغل در سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بودند که به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که روایی و پایایی آن ($\alpha > 0.8$) مورد تأیید قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تی تک متغیره، تی مقایسات زوجی و آزمون فریدمن) استفاده شد. بررسی و مقایسه سازوکارهای تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش نشان داد که سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت در هر دو وضعیت موجود و مطلوب دارای بیشترین اهمیت بوده است. در خصوص آموزش عالی نیز یافته‌ها بیانگر آن بود که در وضعیت موجود، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت و در وضعیت مطلوب سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی دارای بیشترین اهمیت بوده است.

واژگان کلیدی: منابع مالی، سازوکارها، آموزش عالی، آموزش و پرورش

*دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان، ایران (نویسنده مسئول: mkhanazizi@yahoo.com)

**دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان، ایران

مقدمه

در مقطع کنونی که آموزش و پرورش و آموزش عالی با زندگی افراد و خانواده‌ها آمیخته شده، موضوع چگونگی برخورداری افراد از آموزش و در پی آن نحوه تأمین منابع مالی از جمله چالش‌های مهمی است که بین متقاضیان (افراد و خانواده‌ها) و عرضه‌کننده‌ها (مؤسسات دولتی و غیردولتی) به‌طور مستمر در جریان است. در این زمینه متغیرهایی نظیر؛ کمیت و کیفیت آموزش، برابری و عدالت، توان و ظرفیت مالی دولت و افراد، برنامه‌ها و مقررات جاری، بازده فردی و اجتماعی آموزش و موضوعات دیگری مانند اشتغال و بیکاری نیروهای ماهر و تحصیل کرده و مواردی از این قبیل می‌تواند به صورتی مجزا و یا در ارتباط با یکدیگر مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

توجه و تأکید بر هر یک از متغیرهای برشمرده شده به اتخاذ سیاست‌ها، راهبردها و سازوکارهایی منجر می‌شود که برنامه‌ریزی آموزش‌ها به‌ویژه موضوع تأمین مالی آنها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به عنوان مثال تأکید بر کیفیت آموزشی صرف نظر از مسائل دیگر باعث می‌شود تا دولت‌ها یا خانواده‌ها منابع مالی بیشتری را به آموزش اختصاص دهند. اختصاص منابع مالی دولتی بیشتر به بخش آموزش باعث می‌شود تا منابع مالی کمتری به دیگر بخش‌ها از جمله بهداشت و درمان تخصیص داده شود؛ بنابراین چنانچه بخواهیم کیفیت آموزش‌ها را ارتقاء دهیم باید تبعات آن را بر کارایی داخلی و خارجی نظام آموزشی بررسی کنیم.

از جمله راهکارهای اساسی برای لحاظ کردن متغیرها و عوامل مختلف، توجه به سازوکارهای متنوع جهت تأمین منابع مالی موردنیاز است. تأمین منابع مالی آموزش، سازوکارهای سیاسی برای تصمیم‌گیری در هر جامعه را منعکس می‌کند (لوین^۱، به نقل از انصاری، ۱۳۸۹). در زمینه دلایل تغییر و تحول سازوکارهای تخصیص منابع مالی، می‌توان به عواملی نظیر کمبود منابع مالی و اهداف یا آرمان‌های جوامع اشاره کرد (نادری، ۱۳۸۹).

از نظر تاریخی نیز بررسی سازوکارهای تأمین مالی بیانگر رویکردهای متفاوتی است. در دهه ۱۹۶۰ میلادی توجه و تأکید سیاست‌گذاران بر توسعه کمی و تأمین برابری و عدالت بوده است (همان منبع). مطالعات اولیه چگونگی تأمین مالی آموزش در سطح بین‌المللی توسط آدام اسمیت در سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی صورت گرفته است. به‌زعم ایشان سه منبع اصلی تأمین مخارج واحدهای آموزشی شامل؛ مراکز

1. Levin

خیریه، دولت مرکزی و درآمدهای حاصل از شهریه (درآمدهای دانشگاه) است (نادری، ۱۳۸۳).

در سال‌های پیش از دهه ۱۹۸۰، در غالب موارد دولت‌ها هزینه‌های آموزشی را تأمین می‌کردند؛ هرچند که در این زمینه انتظارات را برآورده نکرده و در عمل ناکارآمدی تمرکز منابع مالی در بخش دولتی و مواردی از قبیل نابرابری‌های آموزشی مورد انتقاد بسیاری از محققان و صاحب‌نظران قرار گرفت. در نتیجه بسیاری از کشورها بر آن شدند تا از سازوکارهای دیگری استفاده کنند. در دهه ۱۹۸۰، به‌طور متوسط بین ۲ تا ۹ درصد از تولید ناخالص ملی برای تأمین مخارج آموزشی (در همه کشورها) اختصاص داده شده است (لوین، ترجمه نفیسی، ۱۳۸۰).

بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک جهانی در سال ۱۹۸۴، اغلب قریب به اتفاق کشورها به‌ویژه در سطوح ابتدایی (۸۷ درصد) و متوسطه (۷۹ درصد) هزینه‌های آموزشی را تأمین کرده‌اند. در ایران در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ حدود ۹۶ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی ثبت‌نام کرده‌اند (ای جیمنز، ترجمه انصاری، ۱۳۸۰). در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مقوله‌های جدیدی مانند کمک‌های بین‌المللی و آثار و نتایج جهانی شدن مسائل مالی آموزش مطرح شد. یارانه‌ها و کمک‌های دولتی غالباً معطوف به توسعه آموزش عمومی بوده است (آیچرا، ترجمه گرابی‌نژاد، ۱۳۸۰).

در مورد رویکردهای تأمین مالی، کشورها هرکدام با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات، روش‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند. برای مثال از جمله کشورهایی که در بخش آموزش عالی تاکنون (به لحاظ کمی و کیفی) پیشرفت‌های زیادی داشته و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از الگوهای مطرح یاد کرد، کشور انگلستان است. سازوکارهای مورد عمل در این کشور شامل؛ بخش عمومی یا دولتی (دارای بیشترین سهم) و سایر منابع از قبیل بخش خصوصی، کمک‌های خارجی و ... در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. با توجه به سهم بخش دولتی، از میان روش‌های تأمین مالی نیز می‌توان فهمید که کمک‌های دولتی یا همان کمک‌های انجمن اعتبارات دارای بیشترین سهم (۴۰/۳ درصد) بوده و شهریه‌های علمی و سایر منابع نظیر انجام خدمات، عملیات و عقد قراردادهای پژوهشی در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند (کلی،^۱ به نقل از هریست، ۲۰۰۷).

مسئله مهم دیگر، ایجاد تعادل در تأمین هزینه‌ها و مخارج آموزشی است. واضح است که تأمین مخارج واحدهای آموزشی برای هریک از عوامل اصلی شامل؛ دولت،

1. Eicher

2. Kelly

خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی بسیار سنگین و گاهی طاقت‌فرسا خواهد بود؛ بنابراین باید از تمام ظرفیت‌های موجود بهره لازم را گرفت. البته در این میان نباید از ساختار حاکم بر دولت مرکزی (تمرکز و عدم تمرکز)، میزان درآمد خانواده‌ها (طبقات اجتماعی) و وضعیت سوددهی (زیان‌دهی) صنایع و مؤسسات غفلت کرد. تعامل مناسب هریک از این عناصر و تمهیدات دیگر که ناشی از شرایط فرهنگی و مناسبات بین‌المللی است می‌تواند در ایجاد تعادل بهینه و کاستن فشار به یک ناحیه مؤثر باشد. در نتیجه این رویکرد، سازوکارهایی از قبیل؛ توانمندی‌های دولت‌های محلی، سازمان‌های خیریه، کمک‌های بین‌المللی، بورس‌های آموزشی زمینه بهتری برای خودنمایی خواهند داشت و نقش خود را به نحو بارزتری به انجام خواهند رساند (پالسن و اسمارت^۱، ۲۰۰۱).

بنابراین راه‌حل منطقی این است که بین مخارج فردی و دولتی، تعادل لازم برقرار شود. البته هزینه‌های آموزشی برحسب سطوح می‌تواند بسیار متفاوت از یکدیگر باشد. برای مثال، در خصوص آموزش عالی که هزینه‌ها به مراتب سنگین‌تر است، صرف‌نظر از توان مالی خانواده‌ها، راه‌حل منطقی این است که سازوکارهای متنوعی از جمله؛ بورس‌های آموزشی، کمک‌هزینه‌های تحصیلی، وام‌های تحصیلی، یارانه‌های دولتی، بن‌های آموزشی به‌کار گرفته شود تا سنگینی هزینه‌ها و مخارج، بین عوامل مختلف به شکل عادلانه‌ای توزیع شود (قارون، ۱۳۷۵ و گراس، ۱۹۸۲).

در مورد سازوکارهای تأمین منابع مالی تاکنون مطالعاتی چند صورت گرفته است که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود. انتظاری (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان "ارائه الگویی برای تأمین مالی دانشگاه‌های دولتی" از رویکرد تأمین مالی مبتنی بر اهداف ستانده و تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده است. وی به این نتیجه رسیده است که رویکرد تأمین مالی به‌مثابه پیش‌خرید ستانده‌های دانشگاه، جایگزین مناسب‌تری برای رویکرد جاری است و الگوی ارائه‌شده در چهارچوب آن مطلوب‌تر از الگوهای قبلی است. چون ضمن در نظر گرفتن تمام فعالیت‌های دانشگاه، بودجه بر پایه رقابت و کارایی اقتصادی بین دانشگاه‌ها توزیع می‌شود و انگیزه و رقابت دانشگاهی افزایش می‌یابد.

در تحقیق عزتی و نادری (۱۳۸۸) با عنوان "تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی (دانشگاه تهران)" که روی ۷۵ گروه آموزشی صورت گرفت این نتیجه به دست آمد که تغییر سازوکارهای مالی، در

1. Paulsen & smart

شرایطی که گروه‌های آموزشی برای تحقق اهداف خود با محدودیت‌های مالی مواجه اند، تأثیر چشمگیری بر عملکرد آموزشی دارند.

انتظاری و محجوب (۱۳۹۲) نیز در مورد انتخاب سازوکار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی مطالعه‌ای را انجام دادند. در این مطالعه، ابتدا نظام‌ها و سازوکارهای مختلف تأمین مالی و معیارهای نیکویی آنها با فرا تحلیل کیفی شناسایی شده است. آنگاه در چهارچوب نظام‌های مختلف تأمین مالی، ده سازوکار بر اساس شش معیار نیکویی با استفاده از روش «فرآیند تحلیل سلسله مراتبی» ارزیابی شده‌اند. نتایج نشان داد که بهترین سازوکار تخصیص منابع مالی در دنیا پرداخت وام مشروط بر درآمد به دانشجویان در چهارچوب بازار خدمات آموزش عالی است.

در کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر، شیوه‌ها و سازوکارهای تأمین منابع مالی برحسب وضعیت کمی و کیفی نظام آموزشی، سطوح تحصیلی، وضعیت اقتصادی اجتماعی و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر می‌توانند دارای شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی باشند. در کشور ما به‌ویژه در مقاطع ابتدایی و متوسطه، دولت به‌عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی مورد نیاز مطرح است اما طی چند سال اخیر، با توجه به حجم زیاد تقاضا برای آموزش‌های دانشگاهی، سهم منابع غیردولتی در این بخش به تدریج، افزایش یافته و هم‌اکنون سهم قابل توجهی از مخارج آموزشی متوجه افراد و خانواده ایشان است. این حجم تقاضا (مازاد بر توان بخش دولتی) باعث شکل‌گیری مؤسسات آموزشی خصوصی و آزاد با عناوین گوناگون شده است. باوجود رشد روزافزون مؤسسات خصوصی، کماکان مهم‌ترین منبع تأمین مالی آموزش عالی و به‌ویژه آموزش و پرورش، بودجه‌های دولتی است که معمولاً در قالب درآمدهای جاری و سرمایه‌ای در اختیار مؤسسات آموزشی گذاشته می‌شود.

در بیشتر کشورهای پیشرفته، دولت‌ها عمدتاً طرف تقاضای بازار خدمات آموزش عالی (دانشجویان) را تأمین مالی می‌کنند. در برخی از این کشورها به همه دانشجویان کمک مالی پرداخت می‌شود. در بعضی دیگر فقط دانشجویان نیازمند تأمین مالی می‌شوند. در تعدادی از کشورها (به‌ویژه کشورهای آمریکا لاتین) فقط به دانشجویان مستعد علمی کمک مالی پرداخت می‌شود (مونکز^۱، ۲۰۰۹ و گوروس تیاگا^۲، ۱۹۹۹). در کشور استرالیا وام مشروط بر درآمد به متقاضیان پرداخت می‌شود (لیراس و مارگینسون^۳، ۲۰۰۲). در آلمان و لوکزامبورگ ترکیبی از هدایا و وام‌ها استفاده می‌شود

1. Monks

2. Gorostiaga

3. Lieras & Marginson

(استامولس^۱، ۲۰۰۵). سازوکار دیگر، استفاده از درآمدهای اختصاصی است. درآمدهای اختصاصی آموزشی شامل درآمدهایی نظیر؛ ارائه خدمات آموزشی (ثبت‌نام‌ها، آزمون‌ها، شهریه‌های دانش‌آموزی/ دانشجویی و ...)، پژوهشی (تحقیقات)، فرهنگی (فروش کتب، نشریات و دیگر آثار فکری و هنری) و پرورشی است (فرزیب، ۱۳۸۴ و وزیریان، ۱۳۸۲).

همچنان که پیش‌تر گفته شد با توجه به حجم زیاد تقاضا برای آموزش، از جمله منابع اصلی تأمین هزینه‌های آموزشی، دریافت شهریه تحصیلی از متقاضیان آموزش است. معمولاً مواردی نظیر بالا بودن نسبت بازده خصوصی آموزش نسبت به بازده اجتماعی آن، موقعیت طبقات درآمدی خانواده‌های دانشجویان و افزایش کارایی داخلی از دلایل مهم دریافت شهریه به‌ویژه در سطح آموزش عالی مطرح می‌شود (نوری نائینی و دژپسند، ۱۳۷۳). مسائل مربوط به تقاضای اضافی (بیش از ظرفیت مؤسسات دولتی) بیشتر در سطح آموزش‌های دانشگاهی رخ می‌دهد (ای جیمز، ترجمه انصاری، ۱۳۸۰). لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ظهور دانشگاه‌های خصوصی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی معلول تقاضای روزافزونی بوده که طی سالیان متمادی در کشور وجود داشته و امکانات موجود پاسخگوی آن نبوده است. در دیگر کشورها از جمله انگلستان، هند، برزیل، کلمبیا و پرو نیز به تدریج از سهم منابع دولتی کاسته شده و مؤسسات خصوصی و خیریه نقش بارزتری را ایفا می‌کنند (تودیا و تیلیا^۲، ۲۰۱۱؛ پراکاش^۳، ۲۰۰۷ و گوروس تیاگا، ۱۹۹۹).

سازوکار مهم دیگر که می‌تواند نقش و تأثیر بسزایی برای همکاری و هماهنگی بیشتر بین دو مقوله علم (مؤسسات آموزش عالی) و صنعت (صنایع تولیدی و بنگاه‌های تولیدی) فراهم آورد، عقد قراردادهای همکاری بین دانشگاه‌ها و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی است. زمینه‌های همکاری می‌تواند شامل تحقیقات علمی کاربردی، تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر و برنامه‌ریزی اجرای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت و مواردی از این قبیل باشد. در بسیاری از کشورها از جمله در فرانسه و آمریکا، بنگاه‌ها درصد قابل توجهی (حداقل ۵ درصد) از مخارج آموزشی را بر عهده می‌گیرند. در ایالات متحده، بنگاه‌ها برای برنامه‌های آموزشی خارج از دانشگاه مخارجی معادل کل بودجه دانشگاه‌ها را تقبل می‌کنند (آیچر، ترجمه گرایبی‌نژاد، ۱۳۸۰). در رومانی هم درآمدهای حاصل از قراردادهای بین بنگاه‌ها و

1. Stamoulas

2. Todea & Tilea

3. Prakash

مؤسسات آموزشی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است (تودیا و تیلیا، ۲۰۱۱).

کمک‌های مردمی اعم از مشارکت در ساخت مدارس و مؤسسات آموزشی و مخارج سالیانه آنها نقش مؤثری در جبران کمبودهای ناشی از تأمین اعتبارات و خلأهای مالی دارد. در واقع می‌توان این‌گونه کمک‌ها را به‌گونه‌ای هدفمند برنامه‌ریزی و با کاربست سازوکارهای تشویقی نظیر معافیت‌های مالیاتی برای افراد خیر و نیکوکار، زمینه‌های جلب مشارکت مردمی را در این حوزه بیش‌ازپیش فراهم کرد. ارائه تسهیلاتی از قبیل کمک‌های بلاعوض، اعطای وام و تأمین و تجهیز بخشی از عوامل آموزشی مورد نیاز برای چنین افرادی (خیرین) می‌تواند در حداقل بازه زمانی، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی را افزایش دهد (نادری، ۱۳۸۳).

سازوکار اساسی دیگر جذب کمک‌های بین‌المللی است. این قبیل کمک‌ها در راستای توسعه زیرساخت‌ها و فضا و امکانات آموزشی از سوی سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی غالباً به کشورهای کمتر توسعه‌یافته اعطا می‌شود (همان منبع). در کشور ما سازوکار جذب کمک‌های بین‌المللی، صرفاً معطوف به دانشگاه‌های خاصی بوده و به عبارتی جذب این‌گونه کمک‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در برخی مناطق کمتر توسعه‌یافته و فقیر مانند کشورهای آفریقایی، رشد تقاضا برای آموزش (به‌ویژه آموزش عالی) در برابر مشکل تأمین منابع مالی باعث شده تا دولت‌ها سیاست‌های متغیری را در پیش بگیرند. برخی از این کشورها برای تأمین مخارج و هزینه‌ها به وضع مالیات‌ها پرداخته و برخی دیگر که به‌مراتب اوضاع نابسامان‌تری دارند می‌کوشند تا منابع و کمک‌های بین‌المللی (اعطای وام از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کمک‌های بلاعوض و...) افزون‌تری را جذب کنند (جانستون^۱، ۲۰۰۴).

در مجموع، همچنان که بیان شد روش‌ها و سازوکارهای متفاوتی برای تأمین مالی آموزش وجود دارد. بدیهی است هر کشوری به اقتضای زیرساخت‌های سیاسی و اقتصادی، برنامه‌های توسعه و مشکلات پیش رو، سازوکارهای متعدد و متفاوتی به‌کار می‌گیرد و اولویت سازوکارها بسته به این است که کدام راه، باعث دستیابی بهتر و بیشتر به آموزش می‌شوند (قارون، ۱۳۷۵). رابطه بین سه حوزه تأمین، تخصیص و مصرف (استفاده‌کنندگان) را می‌توان در قالب فرایند زیر ترسیم کرد (نادری، ۱۳۸۳).

1. Johnstone



شکل (۱) فرایند تأمین و تخصیص منابع مالی در نظام‌های آموزشی

در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و مسائلی که در پی رشد تقاضای گسترده برای آموزش و مشکلات ناشی از تأمین منابع مالی برای دولت و خانواده‌ها ایجاد شده است بر آن شدیم تا در راستای تلاش‌های ارزشمند قبلی (که به برخی از آنها اشاره شد) از یک طرف وضعیت موجود سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش را بررسی و از طرف دیگر وضعیت مطلوب این سازوکارها را در دو بخش آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی (از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران) تحلیل کنیم. ازجمله دلایل بررسی هم‌زمان مسائل مالی و بودجه بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی این است که در وهله نخست هر دو بخش از نظر ماهیت وظایف، عملکرد و نقش آنها در پرورش و تربیت نیروی انسانی موردنیاز جامعه شباهت‌های زیادی باهم دارند. درواقع سرمایه‌گذاری در آموزش به مقطع خاصی از دوره‌های تحصیلی محدود نبوده و به‌صورت یک فرآیند و چرخه مرتبط با هم که در تعامل نزدیک باهم هستند و عملکرد یکی بر دیگری تأثیر زیادی می‌گذارد همواره موردتوجه همگان قرار گرفته است. ازاین‌رو در اصل ۳۰ قانون اساسی تصریح شده که «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد» لذا موضوع آموزش رایگان از آغاز آموزش ابتدایی تا عالی‌ترین سطح تحصیلات دانشگاهی به‌صورت جریانی سیال و پیوسته در نظر گرفته شده است. دوم اینکه بخش غالب هزینه‌های هر دو بخش از محل بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود و سوم اینکه سازوکارهای تأمین منابع مالی غیردولتی عمدتاً شامل وجوه مشترکی از قبیل؛ دریافت شهریه تحصیلی، کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)، دریافت تسهیلات بانکی، ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی و جذب کمک‌های بین‌المللی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هرچند این دو نهاد مهم فرهنگی از نظر اهداف، کارکردها و برون‌دادها ویژگی‌های متمایزی دارند ولی از منظر موضوع مورد مطالعه یعنی سازوکارهای تأمین منابع مالی دارای شباهت‌های زیادی با یکدیگر هستند و تحلیل و مقایسه سازوکارهای مورد عمل

برحسب وضعیت موجود و مطلوب می‌تواند مسئله‌ای مهم و درخور توجه به حساب آید. بنابراین هدف‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- بررسی و مقایسه وضعیت موجود و مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش

- بررسی و مقایسه وضعیت موجود و مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی

با توجه به این اهداف، سؤال‌های پژوهش را می‌توان در قالب موارد ذیل مطرح کرد:

۱- وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش چگونه است؟

۲- آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

۳- وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی چگونه است؟

۴- آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی پیمایشی بوده و از پرسشنامه محقق‌ساخته برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری شامل همه کارشناسان بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی در دستگاه‌های ذی‌ربط شامل؛ سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تعداد ۸۵ نفر است. از این تعداد نمونه‌ای مشتمل بر ۵۲ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان (پاسخگویان) شامل افرادی بودند که در زمینه تهیه، تدوین و نظارت بر بودجه آموزش دارای سوابق تجربی بوده و به‌صورت حرفه‌ای به این امر اشتغال داشتند. این افراد درواقع، کارشناسانی هستند که در وهله اول، بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی را تهیه و بر آن نظارت می‌کنند (کارشناسان سازمان برنامه و بودجه کشور) و در وهله دوم، شامل افرادی است که بودجه مزبور را در دستگاه‌های ذی‌ربط (وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) صرف مخارج و هزینه‌های آموزشی می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر با توجه به نقصان و یا نبود آمار و اطلاعات مورد نیاز و ضرورت بررسی دقیق مسئله، افراد یاد شده که به فراخور

وظایف شغلی، دانش و مستندات مربوطه را در اختیاردارند، بیش از سایر افراد و گروه‌ها نسبت به موضوع مورد مطالعه اشراف اطلاعاتی داشته و از آگاهی بیشتری در این زمینه برخوردار هستند. از این رو پرسشنامه‌ها ضمن مراجعه حضوری و توضیح اهداف و سؤال‌های مربوطه با مشارکت افراد مطلع و صاحب‌نظر تکمیل و جمع‌آوری شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری

با توجه به روش پژوهش، از پرسشنامه محقق‌ساخته به‌عنوان ابزار اندازه‌گیری داده‌ها بهره گرفته شده است. پرسشنامه پژوهش مشتمل بر دو مقیاس اندازه‌گیری؛ سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی است. سازوکارهای ارائه شده با توجه به نظرات صاحب‌نظران و متخصصان، مطالعه ادبیات پژوهش (منابع داخلی و خارجی) و مصاحبه با کارشناسان حوزه بودجه آموزش پیشنهاد شده است.

الف) مقیاس اندازه‌گیری سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش: این مقیاس شامل دو بخش؛ وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است که در هر بخش شش سازوکار پیشنهاد شده است. پاسخ‌های افراد بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ (کمترین اهمیت تا بیشترین اهمیت) مورد سنجش قرار گرفته است. ضریب پایایی این مقیاس بر مبنای روش آلفای کرونباخ $0/85$ به دست آمد. روایی پرسشنامه از سوی متخصصان و کارشناسان حوزه‌های تخصصی بودجه آموزش و پرورش تأیید شد.

ب) مقیاس اندازه‌گیری سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی: این مقیاس نیز شامل دو بخش؛ وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است که در هر بخش هفت سازوکار پیشنهاد شده است. پاسخ‌های افراد بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ (کمترین اهمیت تا بیشترین اهمیت) مورد سنجش قرار گرفته است. ضریب پایایی این مقیاس بر مبنای روش آلفای کرونباخ $0/82$ به دست آمد. روایی پرسشنامه از سوی متخصصان و کارشناسان حوزه‌های تخصصی بودجه آموزش عالی تأیید شد.

روش تحلیل داده‌ها

یافته‌های این مطالعه در قالب آمار توصیفی و آمار استنباطی، تحلیل شد. در بخش آمار توصیفی، داده‌ها به‌وسیله شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی با آزمون‌های پارامتری شامل؛ آزمون تی تک‌متغیره و تی مقایسات زوجی و آزمون ناپارامتری فریدمن تجزیه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

با توجه به اهداف و اهمیت پژوهش، یافته‌های پژوهش در دو بخش؛ سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی ارائه شده است. در هر بخش، سؤال‌ها و نتایج حاصل از آن بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی؛ میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های استنباط آماری شامل تی-تک متغیره (برای بررسی میزان معناداری میانگین‌ها)، تی مقایسات زوجی (برای بررسی تفاوت میانگین‌ها در وضعیت موجود و مطلوب) و آزمون فریدمن (برای رتبه‌بندی سازوکارها) تجزیه و تحلیل شد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش از نظر جنسیت (۶۵ درصد؛ مرد و ۳۵ درصد زن) و از نظر پست سازمانی شامل مدیران کل، معاونان و کارشناسان بودند. از منظر سابقه کاری، بیشتر افراد (۶۵ درصد) سوابقی بیشتر از ۱۰ سال داشتند. از لحاظ مدرک و رشته تحصیلی نیز بیشتر افراد دارای مدرک فوق‌لیسانس و دکتری (۶۴ درصد) و رشته تحصیلی بیشتر آنها (۶۲ درصد) علوم انسانی بوده است.

الف) سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش

سؤال اول: وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی

آموزش و پرورش چگونه است؟

بررسی و مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان (جدول ۱) بیانگر آن است که در وضعیت موجود، سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش از بودجه عمومی دولت دارای بالاترین میزان (۴/۵۹) و سازوکارهای دریافت تسهیلات بانکی (۲/۲۴) و جذب کمک‌های بین‌المللی (۲/۴۵) دارای پایین‌ترین میزان است. نتایج اجرای آزمون تی تک متغیره برای هر یک از شاخص‌های مذکور بیانگر معناداری ضرایب در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ است. از میان سازوکارهای وضعیت مطلوب نیز، میانگین سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش از بودجه عمومی دولت، دریافت شهریه تحصیلی، ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی و کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...) در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار بوده و به عبارتی از نظر پاسخگویان مهم‌تر از سایر سازوکارها تلقی شده است.

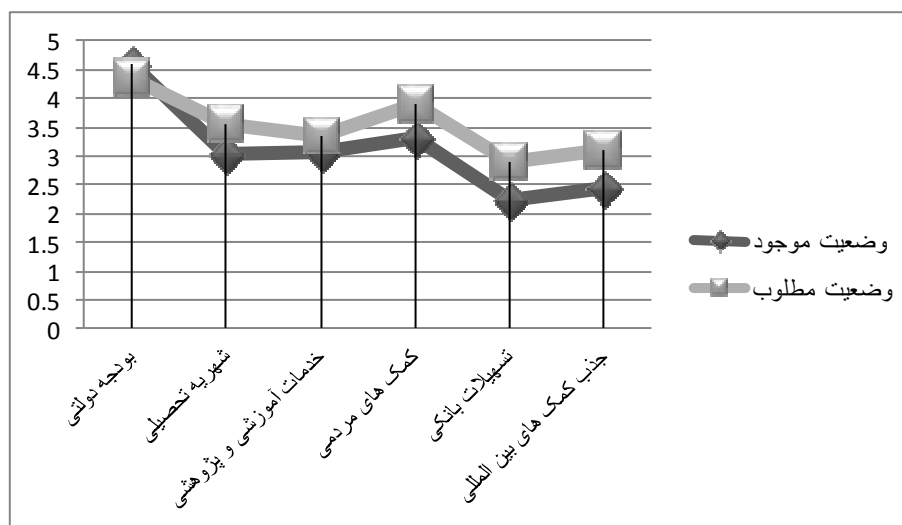
جدول (۱) تحلیل نظر پاسخگویان بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمون تی (مقوله آموزش و پرورش)

ردیف	سازوکارهای تأمین منابع مالی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری	آماره تی
وضعیت موجود	۱- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)	۴/۵۹	۰/۳۵	۰/۰۰۰	۳۳/۹۸
	۲- دریافت شهریه تحصیلی	۳/۰۴	۰/۹۱	۰/۷۳	۰/۳۳
	۳- ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی	۳/۰۷	۱/۳۹	۰/۷۴	۰/۳۳
	۴- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)	۳/۳۰	۱/۰۹	۰/۰۷	۱/۸۳
	۵- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)	۲/۲۴	۱/۴۶	۰/۰۰۲	-۳/۳۸
	۶- جذب کمک‌های بین‌المللی	۲/۴۵	۱/۲۳	۰/۰۰۶	-۲/۸۷
وضعیت مطلوب	۷- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)	۴/۳۶	۰/۹۸	۰/۰۰۰	۸/۹۴
	۸- دریافت شهریه تحصیلی	۳/۵۵	۰/۷۴	۰/۰۰۰	۴/۸۰
	۹- ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی	۳/۳۶	۰/۹۶	۰/۰۲	۲/۴۲
	۱۰- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)	۳/۹۰	۰/۸۵	۰/۰۰۰	۶/۹۰
	۱۱- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)	۲/۸۸	۱/۲۱	۰/۵۳	-۰/۶۳
	۱۲- جذب کمک‌های بین‌المللی	۳/۰۹	۱/۲۲	۰/۶۲	۰/۵۰

بررسی مستندات و آمار و ارقام موجود^۱ بیانگر آن بود که حدوداً ۹۷ درصد از مخارج آموزش و پرورش (معادل کل اعتبارات جاری و عمرانی، رقم ۳۰۵۵۲ میلیارد تومان) از بودجه عمومی دولت تأمین شده است. بررسی آمار و ارقام موجود در مورد

۱. سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۴) و قوانین بودجه سنواری کشور، سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۵)

سایر سازوکارهای تأمین منابع مالی حاکی از آن بود که هرچند آمار دقیقی تاکنون در این زمینه منتشر نشده اما بر اساس مطالعه اسناد و مدارک و برآوردهای انجام شده از سوی کارشناسان برنامه ریز می توان گفت که کمک های مردمی شامل کمک های نقدی و غیر نقدی (۱/۴ درصد)، دریافت شهریه تحصیلی (مدارس نیمه دولتی و غیردولتی، ۰/۷ درصد)، خدمات آموزشی و فرهنگی (۰/۷ درصد) و جذب کمک های بین المللی که عمدتاً در زمینه نهضت سوادآموزی صورت گرفته با رقمی بالغ بر ده میلیارد ریال (۰۰۳ درصد از کل مخارج آموزشی) سه درصد مخارج باقیمانده را پوشش داده است. بررسی های صورت گرفته بیانگر آن بود که برای تأمین مخارج آموزشی، تسهیلات بانکی خاصی در اختیار مدرسه ها قرار نگرفته است.



نمودار (۱) مقایسه میانگین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (آموزش و پرورش)

در نمودار (۱) وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش به نمایش درآمده و نشان دهنده آن است که در وضعیت موجود و مطلوب نقطه اوج نمودار مربوط به سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت و نقطه پایین نمودار در هر دو وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، سازوکار تسهیلات بانکی است.

سؤال دوم: آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش تفاوت معنی دار وجود دارد؟

جدول (۲) مقایسه سازوکارهای وضعیت موجود و مطلوب تأمین منابع مالی آموزش و پرورش

آماره	سطح معنی داری	میانگین وضعیت مطلوب	میانگین وضعیت موجود	سازوکارهای تأمین منابع مالی
۳/۴۳	۰/۰۰۱	۴/۳۵	۴/۸۶	۱- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)
-۴/۵۸	۰/۰۰۰	۳/۵۵	۳/۰۵	۲- دریافت شهریه تحصیلی
-۱/۹۶	۰/۰۰۵	۳/۳۵	۳/۰۷	۳- ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی
-۴/۱۱	۰/۰۰۰	۳/۹۰	۳/۳۰	۴- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)
-۳/۳۴	۰/۰۰۲	۲/۸۸	۲/۲۳	۵- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)
-۲/۹۵	۰/۰۰۵	۳/۰۹	۲/۴۵	۶- جذب کمک‌های بین‌المللی

در جدول (۲) سازوکارهای وضعیت موجود و وضعیت مطلوب با استفاده از آزمون تی (مقایسات زوجی) مقایسه شده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول بالا تمامی ضرایب در سطوح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنی دار بوده و به عبارتی بین میانگین نظر پاسخگویان در وضعیت موجود و مطلوب تفاوت معنی دار وجود داشته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به جز سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت که در وضعیت موجود دارای میانگین بالاتری است بقیه سازوکارها در وضعیت مطلوب دارای میانگین بالاتری بوده و پاسخگویان، سازوکارهای مذکور را در وضعیت مطلوب دارای اهمیت بیشتری دانسته‌اند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد برای رتبه‌بندی سازوکارها از آزمون فریدمن استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون، با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری از خطای مجاز (۰/۰۵) با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که حداقل یکی از میانگین رتبه‌ها بر دیگر میانگین رتبه‌ها اولویت دارد (جدول ۳).

جدول (۳) مقایسه میانگین رتبه‌ها در وضعیت موجود (آموزش و پرورش)

وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		سازوکارهای تأمین منابع مالی
رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	
۱	۴/۸۸	۱	۵/۵۱	۱- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)
۲	۴/۰۸	۲	۳/۸۶	۲- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)
۴	۳/۱۰	۳	۳/۶۳	۳- ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی
۳	۳/۶۰	۴	۳/۳۳	۴- دریافت شهریه تحصیلی
۵	۲/۸۳	۵	۲/۴۰	۵- جذب کمک‌های بین‌المللی
۶	۲/۵۱	۶	۲/۲۶	۶- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)

با توجه به معنادار بودن نتایج آزمون فریدمن، می‌توان گفت در هر دو وضعیت موجود و مطلوب، از میان سازوکارهای شش‌گانه، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت) در رتبه یک و سازوکار دریافت تسهیلات بانکی در رتبه ۶ قرار گرفته است. به عبارت دیگر، از نظر پاسخگویان در هر دو وضعیت موجود و مطلوب، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت) بیشترین اهمیت (اولویت) و سازوکار دریافت تسهیلات بانکی، کمترین اهمیت (اولویت) را داشته است.

جدول (۴) مقایسه کلی وضعیت موجود و مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی

آموزش و پرورش

عنوان	میانگین	سطح معنی‌داری	آماره تی
وضعیت موجود	۳/۱۶	۰/۰۰۰	-۳/۸۶
وضعیت مطلوب	۳/۵۲		

مقایسه کلی سازوکارهای وضعیت موجود و مطلوب نیز بیانگر تفاوت معنی‌دار (در سطح ۰/۰۱) بین آنها است. بدین معنی که با توجه به میانگین‌های بالاتر به دست آمده در وضعیت مطلوب (به استثنای سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از

بودجه عمومی دولت) پاسخگویان، نقش سازوکارها را در وضعیت مطلوب مهم‌تر ارزیابی کرده‌اند.

ب) سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی

سؤال سوم: وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی چگونه است؟

جدول (۵) تحلیل نظر پاسخگویان بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمون تی (آموزش عالی)

ردیف	سازوکارهای تأمین منابع مالی	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری	آماره تی
وضعیت موجود	۱- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)	۴/۲۵	۰/۸۸	۰/۰۰۰	۱۰/۲۱
	۲- دریافت شهریه تحصیلی	۳/۴۸	۱/۰۲	۰/۰۰۱	۳/۴۰
	۳- عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی	۳/۰۲	۱/۳۰	۰/۹۲	۰/۱۰
	۴- ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی	۳/۱۳	۱/۱۷	۰/۴۱	۰/۸۳
	۵- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)	۲/۶۰	۱/۲۱	۰/۰۲	-۲/۴۱
	۶- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)	۲/۳۷	۱/۰۱	۰/۰۰۰	-۴/۵۳
	۷- جذب کمک‌های بین‌المللی	۱/۸۶	۱/۱۰	۰/۰۰۰	-۷/۴۲
وضعیت مطلوب	۸- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)	۳/۰۲	۱/۱۱	۰/۹۰	۰/۱۲
	۹- دریافت شهریه تحصیلی	۴/۰۲	۰/۸۳	۰/۰۰۰	۸/۸۷
	۱۰- عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی	۴/۲۷	۰/۹۱	۰/۰۰۰	۱۰/۰۵
	۱۱- ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی	۴/۱۰	۱/۰۳	۰/۰۰۰	۷/۶۴
	۱۲- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)	۳/۵۲	۱/۱۱	۰/۰۰۱	۳/۳۷
	۱۳- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)	۳/۳۵	۱/۱۷	۰/۰۳	۲/۱۳
	۱۴- جذب کمک‌های بین‌المللی	۳/۳۶	۱/۴۸	۰/۰۸	۱/۷۷

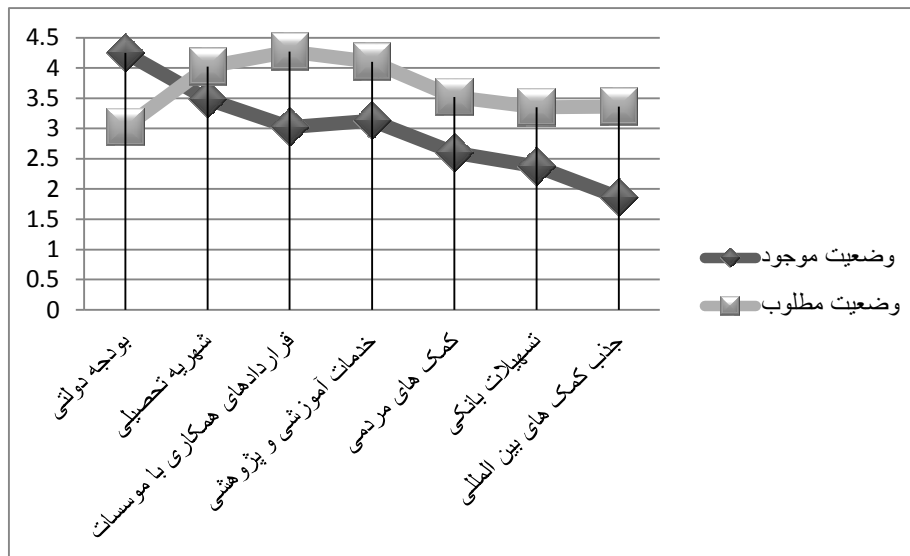
بررسی و مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان (جدول ۵)، بیانگر آن است که در وضعیت موجود، بالاترین میزان (۴/۲۵) مربوط به سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز

آموزش از بودجه عمومی دولت و پایین‌ترین میزان (۱/۸۶) به‌دست‌آمده مربوط به سازوکار جذب کمک‌های بین‌المللی است. در وضعیت مطلوب نیز بالاترین میزان (۴/۲۷) مربوط به سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی و پایین‌ترین میزان (۳/۰۲) مربوط به سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت است. با توجه به معنادار بودن نتایج حاصل از اجرای آزمون تی تک‌متغیره (در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵) در مورد تعدادی از سازوکارها در وضعیت موجود می‌توان گفت، سازوکارهای تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت) و دریافت شهریه تحصیلی دارای ضرایب معناداری بالاتر از میانگین و سازوکارهای کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)، دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...) و جذب کمک‌های بین‌المللی دارای ضرایب معناداری پایین‌تر از میانگین بوده‌اند. در وضعیت مطلوب نیز، میانگین سازوکارهای عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی، ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی، دریافت شهریه تحصیلی، کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...) و دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...) دارای ضرایب معناداری بالاتر از میانگین بوده و به‌عبارت دیگر از نظر پاسخگویان، سازوکارهای مذکور، مهم‌تر از سایر سازوکارها تلقی شده‌اند.

بررسی مستندات و آمار و ارقام موجود^۱ حاکی از آن بود که از کل اعتبارات جاری و عمرانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (رقم ۱۰۴۱۸ میلیارد تومان) ۲۲۰۰ میلیارد تومان آن به درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها اختصاص داشته و به‌عبارت‌دیگر طی سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به‌طور تقریبی ۷۲ درصد از مخارج دانشگاه‌ها از محل بودجه عمومی دولت و ۲۸ درصد دیگر از محل درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها تأمین شده است. از مجموع درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها (رقم ۲۲۰۰ میلیارد تومان) حدوداً ۱۷۶۰ میلیارد تومان معادل ۸۰ درصد درآمدهای اختصاصی به دریافت شهریه تحصیلی از دانشجویان در دوره‌های شبانه و پردیس و مابقی یعنی رقم ۴۴۰ میلیارد تومان به سایر منابع از جمله کمک‌های خیرین، ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی اختصاص داشته است. در زمینه عقد قرارداد همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی، آمار دقیقی وجود نداشته و کمک‌های بین‌المللی نیز در حدی ناچیز عمدتاً متوجه برخی دانشگاه‌های مهم و دارای شهرت و اعتبار جهانی بوده است. در خصوص کمک‌های مردمی و افراد خیر، نکته قابل ذکر این است که بر اساس ضوابط مربوط به طرح‌های تملک دارایی

۱. قوانین بودجه سنواتی کشور، سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۵) و گزارش تحلیلی مدل هزینه سرانه بودجه، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵)

های سرمایه‌ای در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طرح‌های نیمه‌تمام فضاهای آموزشی و کمک‌آموزشی در صورت مشارکت ۵۰ درصدی توسط خیرین قابل تکمیل و توسعه است.



نمودار (۲) مقایسه میانگین‌های وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (آموزش عالی)

در نمودار (۲) وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی به نمایش درآمده و نشان می‌دهد که در وضعیت موجود نقطه اوج نمودار مربوط به سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش از بودجه عمومی دولت و در وضعیت مطلوب سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی در بالاترین نقطه نمودار قرار گرفته است. پایین‌ترین نقاط نیز در وضعیت موجود مربوط به سازوکار جذب کمک‌های بین‌المللی و در وضعیت مطلوب مربوط به سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش از بودجه عمومی دولت است.

سؤال چهارم: آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

جدول (۶) مقایسه سازوکارهای وضعیت موجود و مطلوب تأمین منابع مالی آموزش عالی

آماره تی	سطح معنی داری	میانگین وضعیت مطلوب	میانگین وضعیت موجود	سازوکارهای تأمین منابع مالی
۶/۶۴	۰/۰۰۰	۳/۰۲	۴/۲۵	۱- تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)
-۳/۵۰	۰/۰۰۱	۴/۰۲	۳/۴۸	۲- دریافت شهریه تحصیلی
-۶/۳۲	۰/۰۰۰	۴/۲۷	۳/۰۲	۳- عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی
-۵/۱۶	۰/۰۰۰	۴/۱۰	۳/۱۳	۴- ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی
-۴/۲۷	۰/۰۰۰	۳/۵۲	۲/۶۰	۵- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)
-۶/۰۸	۰/۰۰۰	۳/۳۵	۲/۳۶	۶- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)
-۷/۵۴	۰/۰۰۰	۳/۳۶	۱/۸۶	۷- جذب کمک‌های بین‌المللی

در جدول (۶) سازوکارهای وضعیت موجود و وضعیت مطلوب با استفاده از آزمون تی (مقایسات زوجی) مقایسه شده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول بالا تمامی ضرایب از نظر آماری (در سطح ۰/۰۱) معنادار بوده و به عبارتی بین میانگین نظر پاسخگویان در وضعیت موجود و مطلوب تفاوت معنی دار وجود داشته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به جز سازوکار ردیف (۱) (تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت) که در وضعیت موجود دارای میانگین بالاتری است بقیه سازوکارها در وضعیت مطلوب دارای میانگین بالاتری بوده و پاسخگویان، سازوکارهای مذکور را در وضعیت مطلوب دارای اهمیت بیشتری دانسته‌اند.

جدول (۷) مقایسه میانگین رتبه‌ها در وضعیت موجود و مطلوب (آموزش عالی)

وضعیت مطلوب		وضعیت موجود		سازوکارهای تأمین منابع مالی
رتبه	میانگین رتبه	رتبه	میانگین رتبه	
۷	۲/۹۲	۱	۵/۹۸	۱- تأمین بودجه موردنیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)
۳	۴/۴۸	۲	۵/۰۹	۲- دریافت شهریه تحصیلی
۲	۴/۶۷	۳	۴/۴۱	۳- ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی
۱	۵/۰۷	۴	۴/۲۶	۴- عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی
۵	۳/۶۵	۵	۳/۲۴	۵- کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)
۶	۳/۵۱	۶	۲/۹۴	۶- دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...)
۴	۳/۶۹	۷	۲/۰۸	۷- جذب کمک‌های بین‌المللی

بر اساس نتایج اجرای آزمون فریدمن (جدول ۷)، با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری از خطای مجاز (۰/۰۵) با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که حداقل یکی از میانگین رتبه‌ها بر دیگر میانگین رتبه‌ها اولویت دارد. مطابق یافته‌ها در وضعیت موجود، از میان سازوکارهای هفتگانه، سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت) دارای رتبه ۱ (دارای بیشترین اهمیت) و سازوکار جذب کمک‌های بین‌المللی دارای رتبه ۷ (دارای کمترین اهمیت) بوده است. در وضعیت مطلوب نیز سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی حائز رتبه ۱ و سازوکار تأمین بودجه موردنیاز آموزش از بودجه عمومی دولت حائز رتبه ۷ شده است.

جدول (۸) مقایسه کلی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع

مالی آموزش عالی

عنوان	میانگین	سطح معنی‌داری	آماره تی
وضعیت موجود	۲/۹۶	۰/۰۰۰	-۶/۶۳
وضعیت مطلوب	۳/۶۶		

مقایسه کلی سازوکارهای وضعیت موجود و مطلوب نیز بیانگر تفاوت معنی‌دار (در سطح ۰/۰۱) بین آنها است. بدین معنی که با توجه به میانگین‌های بالاتر به‌دست‌آمده در وضعیت مطلوب (به‌استثنای سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت) پاسخگویان نقش سازوکارها را در وضعیت مطلوب مهم‌تر ارزیابی کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و آموزش عالی پرداخته است. در زمینه تأمین منابع مالی، از سازوکارهای گوناگونی در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده می‌شود. این سازوکارها برحسب وضعیت اقتصادی اجتماعی کشورها، سطح درآمد و مقاطع تحصیلی می‌توانند کاملاً متفاوت باشند؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، سازوکارهای تأمین منابع مالی برحسب سطوح و مقاطع تحصیلی در وضعیت موجود (آنچه هست) و وضعیت مطلوب (آنچه باید باشد)، بررسی و مقایسه شده‌اند. در این پژوهش با توجه به پیشینه تحقیق و نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در سطح آموزش‌های عمومی و متوسطه، شش سازوکار و در سطح آموزش‌های عالی و دانشگاهی، هفت سازوکار به تفکیک وضعیت موجود و مطلوب مورد تحلیل و آزمون قرار گرفت. نکته قابل ذکر این است که مطابق بررسی‌های به‌عمل آمده در مورد پیشینه پژوهش این نتیجه به دست آمد که تاکنون پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر از نظر اهداف و مؤلفه‌ها اجرا نشده است و از این رو نمی‌توان نتایج به‌دست آمده را با پژوهش‌های قبلی مقایسه کرد. با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل نتایج در دو بخش کلی سازوکارهای تأمین بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی ارائه شده است.

یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش: «وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش چگونه است؟» نشان داد که در هر دو وضعیت موجود و مطلوب، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت دارای بالاترین میزان است. پایین‌ترین میانگین به‌دست‌آمده مربوط به سازوکار دریافت تسهیلات بانکی است که در هر دو وضعیت موجود و وضعیت مطلوب از نظر پاسخگویان ابراز شده است. بدین ترتیب از نظر کارشناسان، صرف‌نظر از وضعیت موجود حتی در وضعیت مطلوب نیز همچنان بودجه‌های دولتی باید

بیشترین سهم را داشته باشند؛ به عبارتی انتظار می‌رود دولت‌ها تأمین‌کننده اصلی بودجه آموزش و پرورش باشند. پس از بودجه و اعتبارات دولتی، سازوکار کمک‌های مردمی در هر دو وضعیت موجود و مطلوب دارای میانگین بالاتری بوده و از نظر کارشناسان نقش مهمی را در تأمین مخارج آموزشی ایفا می‌کند. سازوکار دریافت شهریه تحصیلی نیز به‌عنوان یکی از سازوکارهای مهم، مدنظر بوده و پاسخگویان با توجه به دولتی بودن بیشتر مدرسه‌ها، نقش آن را در وضعیت مطلوب مهم‌تر دانسته و به عبارتی از نظر آنان با توجه به هزینه‌های سنگین آموزش و پرورش، می‌توان بخشی از هزینه‌ها را از طریق بخش خصوصی و خانواده‌های دارای بضاعت مالی مناسب‌تر تأمین کرد.

تأمین بودجه آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه از بودجه دولتی از یک‌سو دارای محاسن و از سوی دیگر دارای معایبی است. از جمله محاسن آن، چنانکه در اصل ۳۰ قانون اساسی بدان تأکید شده، رایگان بودن وسایل آموزش از دوره ابتدایی تا دوره عالی است. بدین ترتیب حداقل با اطمینان بالایی می‌توان اظهار کرد که امکانات اولیه برای آموزش افراد واجب‌التعلیم در چهارچوب نظام آموزشی کشور فراهم‌شده و حق برخورداری از حداقل سواد و معلومات مورد نیاز در مناطق و نواحی کشور محفوظ نگاه داشته شده است. اما صرف نظر از رشد کمی و پوشش کامل نظام آموزشی که به‌صورت دغدغه‌ای جدی همواره مطرح بوده است، توسعه کیفی آموزش نیز مقوله‌ای بس مهم و اساسی است که کم‌توجهی به آن خسارت‌های زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند. شکی نیست که با توجه به هزینه‌ها و مخارج سنگین آموزش، ارتقاء کیفی محصولات و برون‌دادهای نظام آموزش تنها در سایه همکاری و تعامل همه نهادها و گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه متحقق می‌شود. تکیه بر حق انحصاری دولت در ارائه آموزش همگانی و جلب نکردن همکاری دیگر ارکان جامعه، باعث می‌شود تا بستر لازم برای رقابت عرضه‌کنندگان محصولات آموزشی فراهم نشده و عملاً مقوله کیفیت نظام آموزشی دچار فراموشی شود. بدین ترتیب توجه به سایر سازوکارهای تأمین منابع مالی از یک طرف سبب ایجاد رقابت و بهبود کیفی و از طرف دیگر باعث کاهش اتکای مخارج آموزش و پرورش به بودجه‌های دولتی می‌شود.

یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش: «آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟» بیانگر آن بود که بین میانگین نظر پاسخگویان در وضعیت موجود و مطلوب تفاوت معنی‌دار وجود داشته است. به این معنی که با توجه به میانگین‌های بالاتر

به دست آمده در وضعیت مطلوب (به استثنای سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت) پاسخگویان نقش سازوکارها را در وضعیت مطلوب مهم تر ارزیابی کرده اند. با توجه به معنادار بودن نتایج آزمون فریدمن، می توان گفت در هر دو وضعیت موجود و مطلوب، از میان سازوکارهای شش گانه، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت) حائز رتبه ۱ و سازوکار دریافت تسهیلات بانکی حائز رتبه ۶ شده است. به عبارت دیگر، از نظر پاسخگویان در هر دو وضعیت موجود و مطلوب، سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت دارای بیشترین اهمیت (اولویت) و سازوکار دریافت تسهیلات بانکی دارای کمترین اهمیت (اولویت) بوده است.

نتایج مربوط به سؤال سوم پژوهش: «وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی چگونه است؟» نشان داد که در وضعیت موجود، سازوکارهای تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت و دریافت شهریه تحصیلی دارای ضریب معنی داری بالاتر از میانگین و سازوکارهای کمک های مردمی (اوقاف، خیرین و ...)، دریافت تسهیلات بانکی (وام و ...) و جذب کمک های بین المللی دارای ضریب معنی داری پایین تر از میانگین بوده اند. طی چند سال اخیر نیز آمارها مؤید این نتایج بوده و مخارج آموزشی به طور عمده از محل اعتبارات دولتی یا شهریه های تحصیلی افراد و خانواده ها تأمین شده است (محمدنژاد عالی زمینی و روشن، ۱۳۸۷). در وضعیت مطلوب، میانگین بیشتر سازوکارها دارای ضریب معنی داری بالاتر از میانگین بوده و به عبارت دیگر، پاسخگویان سازوکارهای مذکور را در تأمین مخارج آموزشی با اهمیت و بالاتر از میانگین ارزیابی کرده اند. در این میان، سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی دارای بالاترین میزان و سازوکارهای ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی و دریافت شهریه تحصیلی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. نکته جالب توجه اینکه سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت که در وضعیت موجود دارای بالاترین میانگین بوده، در وضعیت مطلوب دارای کمترین میانگین است و به عبارتی پاسخگویان اهمیت سازوکار اخیر را کمتر از بقیه سازوکارها دانسته اند. با توجه به مباحث مربوط به بازده خصوصی و اجتماعی آموزش عالی و کافی نبودن اعتبارات دولتی برای تأمین تقاضاهای روزافزون افراد در سطوح مختلف آموزش عالی، منطقی به نظر می رسد که بخشی از مخارج آموزشی از طریق سازوکارهای دیگر، از جمله صنایع، بانک ها و افراد و خانواده آنها تأمین شود. بدیهی است نهادها و سازمانها به ویژه مؤسسات و صنایع تولیدی و خدماتی به عنوان مصرف کنندگان اصلی محصول

نظام دانشگاهی باید مشارکت و همکاری بیشتری با دانشگاه‌ها برای تأمین نیروی انسانی باکیفیت و کارآمد داشته باشند. بنابراین با توجه به نظر متخصصان اقتصاد آموزش، بهبود کیفیت برون‌داد آموزشی رابطه مستقیمی با کارایی و اثربخشی سازمان‌ها دارد؛ از این رو مؤسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی باید به خروجی نظام دانشگاه‌ها حساسیت بیشتری داشته و همکاری‌های گسترده‌تری را طرح‌ریزی و اجرا کنند.

حل مسئله مخارج سنگین آموزش عالی مستلزم همکاری و هماهنگی همه افراد، گروه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه است. رعایت نکردن تعادل لازم در ارائه خدمات نهادهای دولتی و غیردولتی متولی آموزش عالی، مشکلات متعددی را به دنبال خواهد داشت که از جمله آنها می‌توان به بی‌عدالتی و نابرابری آموزش بین اقشار مختلف جامعه، تحقق نیافتن مقوله بهبود کیفیت آموزش عالی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، رشد ناموزون و نامتقارن مؤسسات آموزش عالی و در مجموع، ناکارآمدی برون‌داد و پیامدهای آموزش عالی اشاره کرد.

یافته‌های مربوط به سؤال چهارم پژوهش: «آیا بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب سازوکارهای تأمین منابع مالی آموزش عالی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟» بیانگر آن بود که بین میانگین نظر پاسخگویان در وضعیت موجود و مطلوب تفاوت معنی‌دار وجود داشته است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به جز سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت که در وضعیت موجود دارای میانگین بالاتری است بقیه سازوکارها در وضعیت مطلوب دارای میانگین بالاتری بوده و پاسخگویان سازوکارهای مذکور را در وضعیت مطلوب دارای اهمیت بیشتری دانسته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده در حال حاضر مهم‌ترین منبع تأمین مالی آموزش عالی در وضعیت موجود، بودجه‌ها و اعتبارات دولتی و در وضعیت مطلوب به ترتیب سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی، ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی و دریافت شهریه تحصیلی، اهمیت بیشتری دارند. بر اساس نتایج اجرای آزمون فریدمن، از میان سازوکارهای هفتگانه، در وضعیت موجود سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش (از بودجه عمومی دولت)، حائز رتبه ۱ (دارای بیشترین اهمیت) و سازوکار جذب کمک‌های بین‌المللی، حائز رتبه ۷ (دارای کمترین اهمیت) شده است. در وضعیت مطلوب نیز سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی، حائز رتبه ۱ و سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش از بودجه عمومی دولت، حائز رتبه ۷ شده است.

این پژوهش با توجه به طرح و مشخصات آن دارای محدودیت‌هایی است. از جمله محدودیت‌های آن مربوط به ابزار اندازه‌گیری داده‌ها است. ابزارهای اندازه‌گیری مؤلفه‌ها احتمالاً دارای خطاهای رایج نظیر خطای اندازه‌گیری و دقت نکردن پاسخگویان هستند. محدودیت دیگر مربوط به جامعه و نمونه آماری است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، کارشناسان شاغل در دستگاه‌های متولی بودجه آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده که در صورت لزوم می‌توان از دیدگاه‌ها و نظرات سایر افراد صاحب‌نظر مانند استادان دانشگاه، مدیران و متخصصان استفاده کرد. مؤلفه‌های مورد بررسی بر مبنای مطالعه پیشینه پژوهش و نظر کارشناسان ذی‌ربط، انتخاب و در قالب پرسشنامه فهرست مطرح شده است؛ بنابراین تغییر در شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی اجتماعی به تغییر و دگرگونی در تعداد و ماهیت مؤلفه‌ها منجر خواهد شد.

پیشنهاد‌های کاربردی و اجرایی

الف- سازوکارهای تأمین منابع مالی بخش آموزش و پرورش

- ۱- با توجه به اینکه توسعه آموزش همگانی باکیفیت، ضامن رشد و توسعه کیفی فرد و جامعه است، پیشنهاد می‌شود با توجه به هزینه‌ها و مخارج سنگین نظام آموزش و پرورش دولتی (پوشش ۹۷ درصدی) نسبت به تجهیز و راه‌اندازی مدرسه‌های غیردولتی اهتمام بیشتری صورت گیرد. توسعه مدرسه‌های نیمه‌دولتی و غیرانتفاعی در درازمدت باعث افزایش رقابت و بهبود کیفی برون‌داد نظام آموزشی خواهد شد.
- ۲- با عنایت به اینکه ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات و فضاهای آموزشی مناسب مستلزم وجود منابع مالی کافی است، تسهیلات مالی مناسبی از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی در اختیار نظام آموزشی (به‌ویژه بخش خصوصی) قرار گیرد.
- ۳- با توجه به مسئله توزیع نابرابر درآمد در مناطق و نواحی کشور، پیشنهاد می‌شود بودجه عمومی دولت بیشتر متوجه مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته شده و به عبارت بهتر به تناسب توسعه امکانات و میزان درآمد افراد در هر یک از نواحی و مناطق، امکانات دولتی به نحو عادلانه‌ای توزیع و زمینه و بستر لازم برای توسعه مدارس غیردولتی فراهم شود.

ب- سازوکارهای تأمین منابع مالی بخش آموزش عالی

- ۱- با توجه به نظر پاسخگویان در وضعیت مطلوب که سازوکار عقد قراردادهای همکاری با صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی حائز رتبه ۱ شده، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها با توجه به تعداد و کیفیت فارغ‌التحصیلان مورد نیاز مؤسسات صنعتی و

خدماتی، طی تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری فی‌مابین، دانشجویان را با توجه به ملاک‌ها و شاخص‌های موردنظر مؤسسات مذکور تربیت کنند تا از این طریق ضمن دریافت حمایت‌های مالی، آینده شغلی دانشجویان (به‌ویژه دانشجویان ممتاز) نیز تضمین شود.

۲- با عنایت به یافته‌های مربوط به سازوکار جذب همکاری‌های بین‌المللی که در وضعیت موجود حائز رتبه آخر شده، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها ضمن برقراری ارتباط بیشتر با دانشگاه‌های کشورهای دیگر بخصوص دانشگاه‌های کشورهای منطقه، زمینه همکاری‌های بین‌المللی را از نظر تبادل دانشجو، استاد، خدمات آموزشی - فرهنگی و ... فراهم آورند.

۳- با توجه به وضعیت نامطلوب ارائه تسهیلات بانکی به دانشگاه‌ها، پیشنهاد می‌شود تمهیدات لازم برای مشارکت و حمایت مالی بانک‌ها از آموزش عالی صورت گیرد.

منابع

- آیچر، ژ. ث. (۱۳۸۰). مخارج آموزشی در سطح بین‌المللی؛ ترجمه غلامرضا گرایبی نژاد، *دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش* (جلد اول)، تألیف عبدالحسین نفیسی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- انتظاری، یعقوب و محجوب، حسن (۱۳۹۲). انتخاب سازوکار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۹ (۶۸)، ۶۹-۶۹.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۹۰). ارائه الگویی برای تأمین مالی دانشگاه‌های دولتی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۷ (۶۰)، ۱۷-۳۶.
- انصاری، عبدالله (۱۳۸۹). بررسی نقش دولت در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش در ایران، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۶ (۱۰۴)، ۳۱-۵۸.
- جیمز، ای. (۱۳۸۰). تأمین مالی آموزش و پرورش دولتی؛ ترجمه عبدالله انصاری، *دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش* (جلد اول)، تألیف عبدالحسین نفیسی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵). *قوانین بودجه سنواتی کل کشور*.
- عزتی، میترا و نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۸). تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه‌های آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۵ (۵۲)، ۲۳-۵۴.
- فرزیب، علیرضا (۱۳۸۴). *نظام نوین بودجه‌ریزی در ایران*. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- قارون، معصومه (۱۳۷۵). بررسی راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها. تهران: *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۴ (۱۳ و ۱۴)، ۹۷-۱۴۲.
- لوین، ه. م (۱۳۸۰). تأمین منابع مالی آموزش و پرورش عمومی؛ ترجمه عبدالحسین نفیسی، *دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش* (جلد اول)، تألیف عبدالحسین نفیسی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- محمد نژاد عالی‌زمینی، یوسف و روشن، احمدرضا (۱۳۸۷). *گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۶*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). سازوکار و الگوی مطلوب تخصیص منابع مالی برای آموزش و پرورش: مبانی، الزامات، عناصر و الگوریتم. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۶ (۱۰۴)، ۵۹-۹۰.

نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *اقتصاد آموزش*. تهران: نشر یسپرون.
 نور نائینی، محمدسعید و دژپسند، فرهاد (۱۳۷۳). بررسی اقتصادی شهریه در آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲ (۵)، ۷۱-۹۶.
 وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۴). *سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش*.
 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵). *گزارش تحلیلی مدل هزینه سرانه بودجه*.
 وزیران، سیروس (۱۳۸۲). *مفاهیم و اصطلاحات بودجه‌ریزی*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

- Gorostiaga, X. S. J. (1999). *In search of the missing Link between Education and Development*. In Altbach, P. G. (Ed), *Private Prometheus: Private Higher Education and Development in the Twenty-First Century*. Greenwood Press, West-Port, CT.
- Grothe, L. William (1982). *Strategies to finance your higher Education*. IEEE.Potentials.
- Herbst, Marcel (2007). *Financing Public Universities*. Zurich: Springer.
- Johnstone, D. B. (2004). Higher Education Finance Accessibility: tuition Fees and student loans in sub-saharan Africa. *Journal of Higher Education in Africa*, 2 (2), 11-36.
- Lieras, M. P. & Marginson, S. (2002). Nation Bulding Universities in a Global Environment: the Case of Australia. *Higher Education*, 43 (3), 409-428.
- Monks, J. (2009). The Impact Of Merit-based Financial aid on college Enrolment: A field Experiment, *Economics of Education Review*, 28 (1), 99-106.
- Paulsen, B. Michael & Smart, C. John (2001). *The Finance of Higher Education*. New York: Agathon Press.
- Prakash, V. (2007). Trend in Growth and Financing of Higher Education in India. *Economic and Political Weekly*, 42 (31), 3249-3258.
- Stamoules, A. (2005). Implementation of the Bologna Process goals: on Greek State Funding. *Higher Education in Europe*, 30 (1), 41- 51.
- Todea, Nicolae & Tilea, Donia Maria (2011). Comparative Analysis between the Models for Education in Romania and the United Kingdom. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (15), 717- 721.